

یه روز صبح یه مریض به دکتر جراح مراجعه میکنه و از کمر درد شدید شکایت میکنه. دکتره بعد از معاینه ازش میپرسه: خب، بگو ببینم واسه چی دچار کمر درد شدی؟ مریض پاسخ میده: من برای يك کلوپ شبانه کار می کنم. امروز صبح زودتر به خونه ام رفتم و وقتی وارد آپارتمانم شدم، یه صداهایی از اتاق خواب شنیدم! وقتی وارد اتاق شدم، فهمیدم که یکی با همسرم بوده.

در بالکن هم باز بود. من سریع دویدم طرف بالکن، ولی کسی را اونجا ندیدم. وقتی پایین را نگاه کردم، یه مرد را دیدم که می دوید و در همان حال داشت لباس می پوشید. من یخچال را که روی بالکن بود گرفتم و پرتاب کردم به طرف اون!! دلیل کمر دردم هم همین بلند کردن یخچاله.

مریض بعدی، که به نظر می رسید که تصادف بدی با يك ماشین داشته. دکتر بهش میگه: مریض قبلی من بد حال به نظر می رسید، ولی مثل اینکه حال شما خیلی بدتره! بگو ببینم چه اتفاقی برات افتاده؟ مریض پاسخ میده: باید بدویند که من اخیرا بیکار بودم و امروز اولین روز کار جدیدم بود. ولی من فراموش کرده بودم که ساعت را کوک کنم و برای همین هم نزدیک بود دیر کنم. من سریع از خونه زدم بیرون و در همون حال هم داشتم لباسهام را می پوشیدم، یهو یه یخچال از بالا افتاد روی سر من.

وقتی مریض سوم میاد به نظر می رسه که حالش از دو مریض قبلی وخیم تره. دکتره در حالی که شوکه شده بوده از او می پرسه: تو از کدوم جهنمی فرار کردی؟ مریض سوم میگه: راستش من بالای یه یخچال نشسته بودم که یهو یه نفر اون را از طبقه سوم پرتاب کرد پایین.